

# جایگاه فقه معارف اسلامی در فرهنگ سازمان‌های حفاظتی نظام جمهوری اسلامی ایران

حجة الاسلام و المسلمین دکتر احمد عابدی<sup>۱</sup>

علی شمشیری<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۱۸

## چکیده

باتوجه به آن که نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بر پایه دین و مکتب اسلام بنا شده و بانی فرهنگ انقلاب حضرت امام خمینی رحمته الله علیه خود عارف و فیلسوفی بزرگ و فقهی جامع بوده‌اند، لازم است در تمام ارکان و ابعاد این نظام اسلامی به مسائل فرهنگی که بخش اعظم آن محصول مباحث فقهی و معرفتی است توجه کامل شود. یکی از این ارکان نظام، نهادهای امنیتی و حفاظتی و اطلاعاتی هستند. در مقاله توصیفی و تحلیل محتوایی حاضر، با مراجعه به منابع مربوط به مبانی اعتقادی و فقهی که تعالی فرهنگ مطلوب شرعی بدان وابسته است از یک سو و از سوی دیگر با شناخت و بیان خلاءها و کاستی‌های موجود که از مطالعه مدارک رسمی سازمان و طی جلسات کارشناسی و تجربی مدیریت راهبردی سازمان در طی چند سال به‌روشن مشاهده حضوری<sup>۳</sup> حاصل شده است، به این موضوع پرداخته شده و پس از تعریف فقه اطلاعاتی به بیان جایگاه فقه حداکثری در منظر حضرت امام رحمته الله علیه و مقام معظم رهبری مد ظله العالی اشاره شده است. در این حوزه، به آثار وضعی گناهان و تأثیر گناه در سوء فهم انسان توجه شده، و ضرورت احتیاط را به عنوان مهمترین مبانی اخلاقی معرفی کرده، اعتقاد به غیب، ولایت تشریحی را نیز به‌عنوان مبانی معرفتی و مساله ضرورت حفظ نظام، تقدم احکام ثانوی، ترجیح اهم بر مهم، رعایت ضرورت‌ها و پرهیز از مکر و خدعه و توهم تکلیف به‌عنوان مبانی مهم فقهی در فقه اطلاعاتی است.

**کلید واژه‌ها:** فقه اطلاعاتی. مبانی معرفتی و فقهی. ضرورت احتیاط. ولایت تشریحی. احکام ثانوی.

۱- استاد مدعو دانشگاه عالی دفاع ملی و مدرس حوزه

۲- دانشجوی دکتری دانشگاه دفاع ملی

## مقدمه

برای یک جامعه دینی و نظام اسلامی، «فرهنگ سازمانی مطلوب» فرهنگی است که از اعتقادات و باورهای دینی آن جامعه نشأت گرفته باشد (محمدرضاسلطانی، ۱۳۹۱). مقصود از این کلام آن نیست که باورهای دینی نظام را باید از جامعه گرفت، بلکه مقصود آن است که فرهنگ سازمانی مطلوب حاکم بر همه ارکان نظام باید مبتنی بر آموزه‌های دینی و مذهبی باشد که افراد آن جامعه معتقد به آن هستند. به عبارتی، چون جامعه ما «مسلمان» و نظام حکومتی مورد خواست و پذیرفته شده ما «نظام اسلامی» است، بدین معنا است که این دین و آموزه‌های دینی است که به عنوان مفروضات پایه و مبانی زیربنائی، باید نقش اصلی و تعیین کننده در فرهنگ حاکم بر سازمان‌ها را دارا باشد.

از طرف دیگر قلمرو دین اسلام هم در مورد سعادت دنیا و هم سعادت آخرت برنامه داشته و منحصر به آخرت گرایی نیست. «فقه» نیز پاسخگوی همه نیازهای بشر است (جوادی آملی، ۱۳۸۹). فقه اسلامی مشتمل بر تئوری اداره‌ی جامعه است و چنین ادعایی دارد.

با یک نگاه کلی به آیات و روایات و سیره معصومین علیهم السلام به خوبی روشن می‌شود که هدف اصلی دین، تشکیل «حکومت» مبتنی بر شاخصه‌های الهی و دینی است. قرآن مجید بیش از ۲۵۰ مرتبه بر واژه «حق» تأکید نموده (قرآن مجید، ترجمه آیت مکارم شیرازی) و بسیاری از این آیات شریفه در مورد لزوم مطابق حق بودن حکومت است (ر.ک سوره ص، آیه ۲۶ و سوره کهف، آیه ۴۴) و ده‌ها آیه شریفه دیگر که بدون استفاده از کلمه «حق» است ولی مفهوم آن اینست که باید حکومت طبق «ما انزل الله» باشد (سوره مائده، آیه ۴۴ تا آیه ۴۹).

در این چند آیه شریفه هفت بار خداوند متعال لزوم مطابقت حکم را (که گاهی به معنی قضاوت که یکی از شئون حکومت است و گاهی به معنی اصل حکومت می‌باشد) با «ما انزل الله» تذکر داده است (سوره مائده، آیه ۴۴ تا آیه ۴۹). هرچند از اینگونه مباحث در متن دین بسیار است اما اینجا مقام بیان لزوم و ضرورت مطابقت حکومت با دین و آموزه‌های دینی، و ضرورت مطابقت فرهنگ سازمانی «ساحفاودجا» (سازمان حفاظت اطلاعات وزارت دفاع) با دستورات شرع مقدس نیست. زیرا اصل این ضرورت به‌عنوان یک اصل مسلم پذیرفته شده است که هر شخص مسلمانی باید آن را قبول داشته باشد. آنچه در اینجا حائز اهمیت است، بیان کیفیت فقهی الگوی مناسب برای فرهنگ مطلوب در یک

۱- یا داود اَنَا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضَلِّكَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ

يُضَلُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ (سوره مبارکه ص، آیه ۲۶)

۲- هَذَا لَكَ الْوَلَايَةُ اللَّهُ الْحَقُّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا (سوره مبارکه کهف، آیه ۴۴)

سازمان حفاظتی است. به عبارت دیگر، در اینجا «مبانی» و «مؤلفه‌های» تأثیرگذار در فرهنگ مطلوب سازمانی که منبعث و برآمده از شرع مقدس باشند مورد اشاره قرار می‌گیرد تا معلوم شود که:

۱- دین در این خصوص تعلیمات و دستورات فراوانی دارد و می‌توان فرهنگ سازمان اطلاعاتی و حفاظتی قوی و کارآمد مبتنی بر «فقه اطلاعاتی» را طراحی نمود.

۲- از تفکر، عملکرد و القای فرهنگ سکولاریستی مبنی بر جدایی کار اطلاعاتی و حفاظتی از احکام فقهی و اخلاقی جلوگیری نمود، و پاسخ عینی و عملی به آن اندیشه را ارائه داد.

۳- معلوم شود که رهنمودها و منویات حضرت امام راحل و مقام معظم رهبری در این خصوص صرفاً «توصیه‌های اخلاقی» و موعظه و نصیحت نبوده بلکه دستورات لازم‌الاجراء و ترسیم‌کننده سیاست‌ها و فرهنگ عمل در سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظت‌ها می‌باشد.

شاید در اینجا ضرورت نداشتن باشد که به ذکر مشکلات و کمبودهای «فرهنگ سازمانی موجود» پرداخت، و یا چرایی نیاز به تدوین «فرهنگ مطلوب» را مورد بحث قرارداد، و یا فاصله وضع موجود مطابقت با ضوابط و احکام شرعی، تا وضع مطلوب تعیین شود. به‌طور نمونه می‌توان به مسائلی نظیر «ضرورت حفظ اسرار نظام»، «حرمت اشاعه فحشاء»، «حرمت افشاء آنچه موجب هتک برخی نیروهای امنیتی می‌گردد» و ... اشاره نمود که پایه همین فرهنگ سازمان حفاظت و اطلاعات قرار گیرد. بنابر این نقد «وضع موجود» و ضرورت عبور از وضع فرهنگ سازمانی موجود به مطلوب صرف نظر می‌شود. البته، در اینجا تنها به بیان «فرهنگ سازمانی مطلوب» از جنبه فقهی پرداخته شده است.

### ضرورت پرداختن به فقه اطلاعاتی

در حکومت دینی، هم باید دین باوران و دینداران و صالحان، حاکمیت و اداره حکومت را در دست داشته باشند و هم دین به معنای واقعی بر تمام عرصه‌ها و زوایای حکومت، حاکمیت داشته باشد و هر یک از این دو، به تنهایی شرط لازم محسوب می‌شود، نه شرط کافی.

در نظام جمهوری اسلامی ایران، طبق اصل‌های چهارم و پنجم قانون اساسی، هم قوانین و مقررات باید اسلامی باشد و هم در راس نظام، ولی فقیه، عهده دار امامت و زعامت امت اسلامی هستند (قانون اساسی، مصوب ۱۳۵۸).

در زیر مجموعه‌های حکومت، مانند جامعه اطلاعاتی نیز، هم باید دین باوران و دینداران، در مصدر کارها باشند و هم دین و آموزه‌های دینی و الزامات و اقتضائات آن، به معنای واقعی، بر جامعه اطلاعات دینی، حاکمیت داشته باشد. بحمدالله، با لطف و عنایات الهی، آحاد مدیران و کارشناسان و مجریان جامعه اطلاعاتی، مؤمن و انقلابی و متشرع بوده و وجود نظام‌های «گرنیش، آموزش و تربیت، انتصابات و پایش و ارزشیابی عملکرد فرماندهان، مدیران و کارکنان» در سطح نیروهای مسلح و جامعه اطلاعاتی،

استمرار این روند مهم را، تضمین کرده است. اما در مورد بخش دوم نیز، حاکمیت دین اقتضاء می‌کند، محتوای تمام متون درسی و آموزشی، نظامات و سامانه‌ها، دستورالعمل‌ها، روش‌ها و رویه‌ها، طرح‌ها و برنامه‌ها، فرهنگ و اخلاق و رفتار سازمانی، شیوه مدیریت و سایر موضوع‌ها، از دین استخراج شده و به اجراء درآمده و نهادینه شوند تا جامعه اطلاعاتی، صبغه دینی و الهی خود را حفظ و تقویت نماید.

تفقه در منابع دینی به معنای عام آن و فقه به معنای خاص آن، می‌تواند این نیاز اساسی و نجات بخش (یعنی حاکمیت دین بر تمام شئون اداره نظام اطلاعاتی کشور) را تامین نموده و خاتمیت دین اسلام و قابلیت و کارآمدی پایان ناپذیر فقه شیعی از یک سو و وجود نگرش و تفکر عمیق دینی و ایمان راسخ الهی در جامعه اطلاعاتی از سوی دیگر، ضامن تامین این نیاز حیاتی هستند.

مضافاً این که، توسعه و اجراء و نهادینه‌سازی فقه اطلاعاتی، گام مثبتی در جهت پیمودن فرآیند پنج مرحله‌ای تحقق اهداف انقلاب اسلام شامل انقلاب اسلامی، ایجاد نظام اسلامی، ایجاد دولت اسلامی، ایجاد کشور اسلامی و نهایتاً ایجاد جهان اسلامی بوده (آیه الله خامنه‌ای مدظله العالی، ۱۳۹۰) و در حد و اندازه خود، تلاش ارزنده‌ای در جهت تحقق ایجاد دولت اسلامی و حرکت از گام سوم به گام چهارم فرآیند یعنی، ایجاد کشور اسلامی و پیگیری اهداف نهایی انقلاب اسلامی یعنی دستیابی به حکومت جهانی اسلام، محسوب می‌شود. هدف مقدسی که غفلت از آن، خیانتی سهمگین است.

با عنایت به این مطالب، ضرورت پرداختن همه جانبه به معارف و فقه اطلاعاتی، کاملاً مشخص شده و باید تلاشی شایسته و در خور اهمیت این موضوع، صورت پذیرد.

در طول سال‌های پس از انقلاب، تلاش‌های خوبی در زمینه فقه اطلاعاتی، صورت پذیرفته و توانسته نیازهای ضروری و فوری سازمان‌های اطلاعاتی کشور را مرتفع نماید. لیکن با خلاءها، کاستی‌ها و ضعف‌های زیادی نیز مواجه است. لذا ضمن پاسداشت و عمل به آنچه که تاکنون در زمینه فقه اطلاعاتی تولید شده، ضرورت دارد با شناخت و بیان خلاءها و کاستی‌های موجود که از طریق بهره‌برداری از مطالعه مدارک رسمی سازمان و طی جلسات کارشناسی و تجربی در سطح مدیریت راهبردی سازمان در طی چند سال به‌روشن مشاهده حضوری حاصل شده است، گام‌های بلندتری در جهت تکمیل و توسعه فقه اطلاعاتی برداشته شود.

از این منظر به چند اشکال مهم در این حوزه، به طور اجمالی اشاره می‌گردد:

۱- هنوز تعریف روشن و دقیقی از فقه اطلاعاتی و انتظاراتی که از آن می‌رود، وجود ندارد. در مورد این که اساساً فقه اطلاعاتی آیا در حوزه احکام اولیه است یا احکام ثانویه تاکنون سه نظر مطرح شده است (احمد عابدی، ۱۳۸۹)، که هر یک آثار مهمی بر فقه اطلاعاتی می‌گذارد:

**نظر اول:** اگر تفقهی جامع و همه جانبه و درچارچوب فقه جواهری و نگاه فقهی امام خمینی علیه السلام انجام گیرد، درحوزه احکام اولی، تکالیف روشن می‌شود و نیازی به حرکت در قلمرو ضرورت‌ها و احکام ثانویه نخواهد بود و اقتضای فقهی که رویکرد مکتب آن برقراری حکومت عدل جهانی می‌باشد، دارای چنین توانایی‌هایی است.

**نظر دوم:** فقه اطلاعاتی ترکیبی از احکام اولیه و ثانویه است.

**نظر سوم:** فقه اطلاعاتی فقط در حوزه احکام ثانویه قابل طرح است.

۲- ساختار و اجزای درونی فقه اطلاعاتی، متناسب با نگرش حکومتی به فقه که متکفل تأمین الزامات فقهی برای اداره دینی جامعه اطلاعاتی کشور است، نامشخص است.

۳- امر تبیین و توسعه فقه اطلاعاتی، فاقد متولی و مدیریت معین و ساز و کار روشنی در حوزه‌های علمیه می‌باشد.

۴- موضوع‌یابی و موضوع‌سازی‌های فقهی که توسط جامعه اطلاعاتی انجام می‌شود، دچار آفت‌های متعددی است، که باید علاج شود.

۵- حجم و کیفیت کارهای انجام شده، به هیچ وجه، متناسب با نیازمندی‌های گسترده جامعه اطلاعاتی کشور نمی‌باشد.

۶- سطح موضوعات و پرسش‌های فقهی که توسط جامعه اطلاعاتی کشور، مطرح شده، عموماً اجرایی (سطح تاکتیکی) بوده و از جامعیت و پیوستگی لازم در پوشش دادن سایر سطوح (راهبردی و عملیاتی) برخوردار نیست.

۷- همین مقدار تولید شده نیز، به صورت منسجم و منظم، چاپ و در اختیار جامعه اطلاعاتی کشور قرار نگرفته است!

۸- در مقام عمل به فقه اطلاعاتی تولید شده نیز، آفت‌هایی مشابه قیاس و تمثیل و تسری دادن ناصحیح حکم موضوعی به موضوعات دیگر به دلیل مشابَهت ظاهری آن‌ها و یا گرفتار شدن به این توهّم که، یک فرد اطلاعاتی صرفاً باید در فضا و هوای احکام ثانویه تنفس کند، دیده می‌شود، که باید علاج شود.

قطعاً کار تدوین نظام جامع فقه اطلاعاتی، بر عهده عالمان و فقهای گرانقدر حوزه علمیه و آشنا به مسائل اطلاعاتی و امنیتی می‌باشد که به حول و قوه الهی، می‌توان طبق برآورد کارشناسی و تخصصی انجام شده، با سازماندهی و برنامه‌ریزی دقیق علمی میان مدت (۳-۵ سال) و با همکاری و مشارکت نظام‌مند و مدیریت شده جامعه اطلاعاتی، قواره و چارچوب اصلی آن را تدوین نموده و از آن پس در مسیر تکمیل و توسعه قرار داد.

لیکن برای پیمودن هرچه بهتر و سریعتر این مسیر، باید این باور حاکم شود که اولاً فقه شیعه میتواند پاسخگوی همه مبانی و مسائل جامعه اطلاعاتی کشور باشد، ثانیاً اطلاعات و فقه، از یکدیگر جدایی پذیر نیستند، ثالثاً برای دستیابی به گنج ارزشمند فقه اطلاعاتی، از یک سو، نیازمند عزم و اراده مؤمنانه جامعه اطلاعاتی بوده و از سوی دیگر، تلاش مجتهدانه عالمان دینی را طلب می‌کند.

با عنایت به نواقص و ضعف‌هایی که فعلاً در فقه اطلاعاتی وجود دارد، این مقاله بر آن است تا با طرح موضوعات و بیان مشکلات فقه اطلاعاتی، مسؤلین امر را برای پرداختن به تقویت و توسعه فقه اطلاعاتی ترغیب نموده و فضای مناسبی برای سرعت بخشیدن به توسعه و تکمیل فقه اطلاعاتی به عنوان زیربنای فرهنگ سازمانی و رفتار منبعث از آن فراهم آورد. بنابر این موضوعات مطرح شده به منزله ارائه یک چارچوب مشخص و قطعی برای نظام جامع فقه اطلاعاتی، نمی‌باشد، بلکه صرفاً در حد طرح مساله و بیان دغدغه‌های دلسوزانه است.

روش بحث در این موضوع تلفیقی از روش استنباطی متداول در حوزه‌های علمیه و روش تحلیل فلسفی یعنی تلفیقی از عقل و نقل است. در موضوعات عبادی و تعبدی صرفاً باید به سراغ ادله نقلی رفته و حکم آن‌ها را از طریق کتاب و سنت استخراج نمود. اما در موضوعات سیاسی و فقه حکومتی باید هم از روش سنتی فقه که مورد تاکید امام خمینی بوده و نیز با توجه به مصلحت زمانه و اهم و مهم و سایر قاعد عقلی و عقلایی بهره گرفت. مقاصد و اهداف شرع را نیز نباید از نظر دور داشت. لذا نوعی جامعیت در علوم عقلی و نقلی لازم است تا بتوان به پاسخگویی و اظهارنظر در زمینه فقه اطلاعاتی پرداخت.

### جایگاه فقه حداکثری در اندیشه حضرت امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری ظهوره العالی

الف) فقه حداکثری شیعی در نگاه و کلام حضرت امام خمینی علیه السلام

- حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است (امام خمینی، ۱۳۶۸، ص ۲۸).

- حکومت نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است (امام خمینی، ۱۳۶۸، ص ۲۸).

- فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان، از گهواره تا گور است (امام خمینی، ۱۳۶۸، ص ۲۸).

- همه ترس استکبار از همین مساله است که فقه و اجتهاد، جنبه عینی و عملی پیدا کند و قدرت برخورد در مسلمانان به وجود آورد (امام خمینی، ۱۳۶۸، ص ۲۸).

- ما باید بدون توجه به غرب حيله‌گر و شرق متجاوز و فارغ از دیپلماسی حاکم بر جهان، در صدد تحقق فقه عملی اسلام برآییم و الا مادامی که فقه در سینۀ علما مستور بماند، ضرری متوجه

جهان‌خوران نیست و روحانیت تا در همه مسائل و مشکلات حضور فعال نداشته باشد، نمی‌تواند درک کند که اجتهاد مصطلح، برای اداره جامعه، کافی نیست (امام خمینی، ۱۳۶۸، ص ۳۲).

(ب) فقه حداکثری شیعی در نگاه و کلام مقام معظم رهبری مدظله العالی

- ما باید فقه اسلامی را در جامعه پیاده کنیم. فقه اسلامی، فقه طهارت و نجاسات و عبادات که نیست. فقه اسلامی مشتمل بر جوانبی است که منطبق بر همه‌ی جوانب زندگی انسان است. فردی، اجتماعی، سیاسی، عبادی، نظامی و اقتصادی. فقه‌الله‌الاکبر این است. آن چیزی که زندگی انسان را، اداره می‌کند، یعنی ذهن و مغز و دل و جان و آداب زندگی و ارتباطات اجتماعی و ارتباطات سیاسی و وضع معیشتی و ارتباطات خارجی، فقه است.... ما مسائل اقتصادی، نظامی و سیاست خارجی و ارتباطات اخلاقی خود را، بایستی از دین در بیاوریم (امام خامنه‌ای مدظله العالی، ۱۳۷۰).

- فقه مصطلح اسلامی متضمن مجموعه‌ی کاملی از مباحثی است که .... متکفل تنظیم روابط میان افراد جامعه بشری است و نظامات و مقررات حاکم بر زندگی بشر از جهات گوناگون را شامل می‌شود. (امام خامنه‌ای مدظله العالی، ۱۳۷۲)

- روی آوردن به فقه حکومتی و استخراج احکام الهی در همه‌ی شئون یک حکومت و نظر به همه احکام فقهی با نگرش حکومتی یعنی ملاحظه‌ی تأثیر هر حکمی از احکام در تشکیل جامعه‌ی نمونه و حیات طبیه اسلامی، امروز یکی از واجبات اساسی در حوزه فقه اسلامی است. (امام خامنه‌ای مدظله العالی، ۱۳۷۱)

- با عنایت به نگاه عمیق و حکیمانه‌ی حضرت امام خمینی ره و مقام معظم رهبری مدظله العالی که معتقد به فقه با نگرش حکومتی بوده و فقه را تئوری واقعی و کامل اداره یک حکومت و نظام دینی و الهی می‌دانند، فقه، بیشتر در حوزه فقه فردی مورد توجه و بسط و توسعه قرار گرفته است، تا فقه اداره حکومت. حال آنکه صرفاً بیان احکام حلال و حرام، برای اداره حکومت کافی نیست بلکه استنباط دینی در کشف، تدوین، طراحی و نهادینه سازی نظامات جامع اجتماعی و حکومتی و الزامات آن نیز به شدت مورد نیاز است. زیرا این نظامات دینی هستند که فقه را در متن حکومت نهادینه می‌کنند و احکام حلال و حرام بخشی از فقه محسوب می‌شوند نه همه آن.

### تعریف فقه اطلاعاتی

برای تعریف فقه اطلاعاتی که یکی از اجزاء و عرصه‌های فقهی است، باید همان نگرش حضرت امام خمینی ره و مقام معظم رهبری مدظله العالی را مبنا قرار داده و فقه اطلاعاتی را با توجه به نکات زیر، تعریف نمود:

۱- مقوله اطلاعات و امنیت، هم مباحث معرفتی اعتقادی دارد، هم اخلاقی و هم فقهی به معنای خاص آن. عبارت دیگر، اداره‌ی دستگاه اطلاعات دینی کشور، نیازمند تقه (به معنای عام آن) در تمام منابع و ادله دینی، اعم از معرفتی اعتقادی، اخلاقی و فقهی است.

۲- دایره شمول و گستره فقه اطلاعاتی، عبارتست از کلیه امور اطلاعاتی و امنیتی کشور و تمام جامعه اطلاعاتی نظام جمهوری اسلامی ایران که سازمان‌های حفاظت و اطلاعات نیز بخش مهمی از آن هستند.

۳- اداره جامعه اطلاعاتی کشور مستلزم پرداختن به همه سطوح آن یعنی سطوح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی بوده و تمام عرصه‌ها و زوایای کاری آن را در بر می‌گیرد.

۴- اداره جامعه اطلاعاتی کشور از پیچیدگی‌ها و حساسیت‌ها و ضرورت‌های بسیار زیادی برخوردار بوده و صرفاً با ابتدای بر احکام فرعی اولیه، امکان اداره آن وجود ندارد و حتماً نیازمند احکام ثانویه و حکومتی است.

با عنایت به دیدگاه حضرت امام خمینی رحمته الله علیه و مقام معظم رهبری مد ظله العالی نسبت به فقه با نگرش حکومتی، می‌توان فقه اطلاعاتی را این چنین توصیف کرد:

«فقه اطلاعاتی، تئوری واقعی و کامل اداره دینی و اسلامی امور مختص امنیتی و اطلاعاتی کشور در تمامی عرصه‌ها و سطوح آن و حل‌کننده همه معضلات و مشکلات فقهی جامعه اطلاعاتی و حفاظتی کشور، در تمام زوایا و ابعاد آن است.»

#### «فقه اطلاعات» یا «چشم‌اندازی به فرهنگ مطلوب سازمانی»

از آنجا که «فرهنگ» هر جامعه‌ای با اعتقادات، باورها و سنت‌های هر جامعه‌ای ارتباط وثیق و مستحکم دارد. لذا:

- چون جامعه ما و قانون اساسی کشور براساس باورهای اسلامی شکل یافته است.
- اسلام مجموعه‌ای از اعتقادات، شریعت و اخلاق است.
- جامعه ایرانی نیز یک جامعه اخلاقی است و در زمان‌های قدیم ایران به‌عنوان مهد اخلاق و حکمت عملی شناخته می‌شده است.

در نتیجه، در تبیین «فرهنگ مطلوب» ابتدا به‌عنوان لایه زیرین و ناپیدای فرهنگ، باید مبانی معرفتی و اعتقادی، سپس مبانی اخلاقی و آنگاه مبانی فقهی آن را بیان کرده و در این راستا به تعیین مؤلفه‌های مهم این فرهنگ مطلوب پرداخته شود.

#### در حوزه مبانی معرفتی

##### ۱- تأثیر گناه در سوء فهم انسان

تردیدی نیست که هر انسانی آن گونه که ادراک می‌کند، عمل می‌کند، اما همیشه انسان درک درست ندارد و چه بسا گاهی فهم و یقین انسان مطابق با واقع نیست، گاهی علم انسان جهل مرکب است و در واقع چیزی را نمی‌داند اما خیال می‌کند که می‌داند. بنابر این همه آنچه را که ما می‌فهمیم و یقین داریم



مطابق با واقع نمی‌باشد، اما آنچه که بسیار مهم است. این که براساس آیات و روایات می‌توان ادعا نمود که اگر کسی به دنبال گناه برود فهم و دانش و درک او تغییر می‌کند و چه بسا خوب را بد تشخیص بدهد و بد را خوب، و چه بسا عمل صحیح مردم را خطا پندارد و عمل خطای آنان را صحیح بشمارد.

خداوند متعال در آیه ۱۰ سوره روم می‌فرماید: «سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند، به‌جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را به‌مسخره گرفتند» (قرآن مجید، ۱۳۷۴).<sup>۱</sup>

از این آیه شریفه استفاده می‌شود که اگر کسی گناه کند آیات خداوند را انکار خواهد کرد و آنچه را که نشانه خداوند است، نشانه خداوند نخواهد دانست یعنی گناه سبب تغییر فهم و بینش او می‌گردد و از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «هرکس مرتکب یک گناه شود یک نوع عقل و فهم خود را برای همیشه از دست می‌دهد.»<sup>۲</sup> (محمدباقر مجلسی، ۱۹۸۳).

طبق روایت دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «گاهی یک نفر گناهی را مرتکب می‌شود به همین جهت برخی از دانش‌های خود را از دست می‌دهد.»<sup>۳</sup> (محمدمحمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴)

از این گونه آیات و روایات می‌توان استفاده کرد که شرط درست فهمیدن آن است که انسان از گناه پرهیز نماید. بنابر این هم چنان که یکی از شرایط سلامت فهم و درک آن است که قوای ادراکی انسان مثل چشم و گوش و عقل و فکر سالم باشند و دچار آفتی نباشد همچنین طهارت نفس و دوری از گناه نیز شرط درست فهمیدن است، چه بسا کسی که عادت کرده است به حرام‌خواری، یا به نگاه به نامحرم، یا ... به گزارش‌های او نمی‌توان اعتماد کرد.

## ۲- هر نوع علمی در هر موردی حجت نیست

یکی دیگر از مبانی معرفتی در بحث «فقه اطلاعاتی» این است که بدانیم هر نوع علمی در هر موردی حجت نیست. این صحیح نیست که گفته شود هر نوع یقینی از هر راهی به‌دست آمد حجت است. به‌عنوان مثال اگر دو نفر شاهد عادل پیش قاضی شهادت بدهند که شخصی قاتل است؛ این برای قاضی کافی است و قتل اثبات می‌شود ولی اگر خود قاضی ببیند که شخصی مرتکب قتل شد نمی‌تواند حکم قتل را بر آن قاتل اجرا نماید.<sup>۴</sup> از اینجا معلوم می‌شود که شارع مقدس برای ثابت شدن برخی امور،

۱- ثمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ آسَأُوا السُّوءَ أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِءُونَ (سوره روم، آیه ۱۰)

۲- من قارف ذنباً فارقه عقل لم يعد اليه ابداً

۳- «إنَّ العبد ليذنب الذَّنْبَ فينسى به العلم الذي كان قد علمه»

۴- آیت الله فاضل لنکرانی رحمته الله علیه می‌فرماید: امام معصوم می‌تواند به علم خود عمل کند ولی شخصی که معصوم نیست آیا می‌تواند به علم خود قضاوت کند یا خیر؟ اکثر فقها معتقد به جواز آن هستند و برخی معتقد به عدم جواز هستند و برخی بین حق الله و حق الناس فرق گذارده و در اولی قائل به جواز و در دوم به عدم جواز قائل شده و برخی نیز برعکس (فاضل

راه‌های خاصی را در نظر گرفته و از هر راهی آن را نمی‌پذیرد و گاهی بی‌نه با این که تعیین آور نیست حجّت قرار داده شده و مشاهده با این که علم آور است حجّت ندارد و گاهی خبر تنها در صورتی که خبر حسّی باشد حجّت است و اگر حدس باشد، حتّی اگر چه حدس یقین باشد حجّت ندارد.

البته در داستان حضرت یوسف علیه السلام قرآن مجید می‌فرماید شاهدهی گفت: اگر پیراهن یوسف از پشت سر پاره شده این نشانه صداقت یوسف و دروغ گفتن آن می‌باشد.<sup>۱</sup> (قرآن مجید سوره یوسف، آیه ۲۷) در این قضیه براساس امارات و شواهد که موجب حدس می‌باشند قضاوت شده است و برخی از فقهاء فتوی داده‌اند که اگر علم از راه‌های غیرمتعارف حاصل شود گرچه آن علم حجّت است ولی طبق آن علم نمی‌توان شهادت داد (امام خمینی رحمته الله علیه ۱۳۶۳، ۴۴۵/۲).

بنابر این برای تشخیص این که آیا بین خبر حدسی و خبر حسّی و نیز بین علمی که از راه متعارف حاصل می‌شود یا علمی که از راه‌های غیر متعارف حاصل می‌شود و نیز چه مواردی علم خود انسان حجّت است و چه مواردی علم خاص لازم است و هر علمی حجّت نمی‌باشد- مثلاً علمی که از راه قیاس و استحسان و راه‌های غیرشرعی به دست آمده باشد- و ... باید به کتاب‌های فقه استدلالی مراجعه نمود و از اینجا روشن می‌شود که نیروهای حفاظت و اطلاعات باید بدانند چه خبری و از چه منابعی قابل اعتماد است و در چه صورت قابل اعتماد نیست و در چه مواردی باید تحصیل تعیین کنند و در چه مواردی اطمینان و وثوق به خبر کافی است و بلکه در چه مواردی حتّی به خبری که احتمالی است باید ترتیب اثر داد و از نظر فقهی هر کدام از اینها احکام خاصی دارد. تفاوت‌های بین وثوق به خبر و وثوق به مخبر نیاز به خبرویّت در مباحث فقهی و حقوقی دارد.

### ۳- احکام اولیّه و احکام ثانویه

یکی دیگر از مبانی معرفتی «فرهنگ مطلوب سازمانی» این است که باید جامعه براساس احکام اولیّه اداره شود و احکام ثانویه عناوینی هستند که بصورت استثناء و تنها در موارد اندکی باید به سراغ آنها رفت. نباید احکام ثانویه به صورت یک اصل و قاعده در آیند. این روشن است که احکام ثانویه احکام خداوند هستند همانند احکام اولیّه، ولی همیشه باید آنها را به صورت حدّ اقل و مثل «اکل میته» نگاه کرد (محمد یزدی، ۱۳۸۷). نمی‌توان هر چیزی را و در هر جایی با ادعای این که ضرورت دارد پذیرفت و مورد عمل قرارداد. حکم ثانوی حتماً باید موقّت و محدود باشد و در متن خود، مدت اندک آن باید ذکر شود (همان).

لنکرانی، ۱۴۲۲: ۲۶۱). شیخ طوسی نیز فرموده: اگر شخصی که امام معصوم نیست ببیند کسی زنا می‌کند یا شرب خمر دارد حتّی با وجود مشاهده نمی‌تواند حکم کند به زنا یا به شرب خمر، مگر با قیام بی‌نه یا اقرار (طوسی، ۱۳۶۱: ۶۹۱).

صاحب جواهر نیز فرموده: اگر اجماع داشته باشیم که علم قاضی از هر راهی حاصل شود حجّت است آن اجماع کافی خواهد بود و گرنه دلیل روشنی بر کفایت هر علمی نداریم (نجفی، ۱۳۶۵: ۸۹/۴۰).

او ان کان قمیصه قُدّ من ذُبّر فُکذبت و هو من الصادقین

#### ۴- شناخت مراد و مقصود شارع مقدّس

ضرورت شناخت مراد و مقصود شارع مقدّس یکی دیگر از مبانی معرفتی است. به دست آوردن مراد جدی مولى از کلمات یک اصل مهم است. باید بدانیم کدام حکم تنها جنبه سیاسی دارد و چه حکمی جنبه اجرایی دارد. به عنوان مثال برائت از مشرکین را آیا می توان مخفیانه و در گوشه منزل انجام داد و یا اینکه باید این حکم حتماً به صورت علنی و در خیابان اجرا شود. چه حکمی باید به صورت سرّی و مخفیانه انجام شود و کتمان آن مطلوب شارع است و چه حکمی علنی بودن آن مورد نظر شارع مقدّس است.

در تاریخ اسلام نقل شده که مرداس به پیامبر اکرم ﷺ توهین نمود، پیامبر به حضرت علی ﷺ فرمود: «قم فاقطع لسانه» یا علی برخیز زبان او را قطع کن. حضرت علی ﷺ نیز برخاست و مقداری پول به آن شخص داد. همه اصحاب تعجب کردند، زیرا تصوّر می کردند مقصود از آن کلام این است که زبان او را ببرد اما امیرالمؤمنین ﷺ با پول دادن زبان آن شخص را کوتاه نمود (الشیخ الصدوق، معانی الأخبار).

این نشان می دهد که فهمیدن مراد و مقصود شارع مقدّس از این آیات و روایات نیاز به دانش و تفقّه بالایی دارد. مثلاً وقتی شارع می گوید مرتد فطری را باید اعدام نمود آیا مقصود از این حکم این است که واقعاً شخص مرتد را اعدام کنند و یا آنکه این مسأله صرفاً یک تهدید است برای این که کسی مرتد نشود و یا یک حکم سیاسی است برای جلوگیری از توطئه برخی از یهودیان که قرآن به آن اشاره کرده است (سوره آل عمران، آیه ۷۲) به هر حال نیروهای اطلاعاتی و حفاظتی باید با مراد جدی شارع از این دستورات آشنا شوند و صرف اطلاع از ظاهر الفاظ کافی نیست.

#### در حوزه مبانی اعتقادی

##### ۱- اعتقاد به جامعیت دین اسلام

برخی از افراد معتقد بودند که دین فقط برای اصلاح امور اخروی انسان آمده و ربطی به دنیای انسان ندارد. مردم باید دنیای خود را طبق عقل و فهم خود اداره کنند. اما در برابر این اندیشه، نظر بزرگانی چون امام خمینی رحمته الله علیه و علامه طباطبایی رحمته الله علیه این است که دین برای اصلاح دنیا و آخرت آمده است. قهراً طبق این نظریه باید گفت پیروان این اندیشه اعتقاد به جامعیت دین نسبت به دنیا و آخرت داشته و معتقدند که نمی شود دین را محصور به اصلاح و آبادانی آخرت نموده و امور دنیا و حکومت را با جدایی دین از دنیا اداره کرد. زیرا این نوعی اندیشه سکولار و جدایی دین از حکومت است که به شدت با آرا و افکار امام خمینی در تعارض است.

##### ۲- ایمان به غیب

مقصود از ایمان به غیب آنست که باور داشته باشیم به وجود خداوند متعال، و اینکه مراقب و ناظر بر

اعمال ماست. چنانکه خداوند می‌فرماید: «هر عملی که انجام می‌دهید، خداوند و پیامبر و ائمه علیهم السلام و مومنان بر آن آگاه می‌شوند.»<sup>۱</sup> (سوره توبه، آیه ۹۴ و ۱۰۵) و به تعبیر دیگر «خداوند در کمین گاه است»<sup>۲</sup> (سوره فجر، آیه ۱۴).

باور به قیامت و حساب و کتاب الهی و باور به فرشتگان و خصوصاً دو فرشته رقیب و عتید (سوره ق، آیه ۱۸) داشته باشیم. مأمور و مسئولی که چنین اعتقادی داشته باشد دائماً خود را در محضر خداوند دانسته و می‌داند که فرشتگان الهی همه اعمال او را ثبت و ضبط کرده و باید روز قیامت پاسخگو باشد. چنین کسی خود را «عبد» می‌داند، خود را خادم مردم و نه رئیس و زعیم آنان می‌داند. چنین مأموری در برخورد با مفاسد و منکرات قصد اصلاح دارد نه قصد برخورد، و با بندگان خداوند با مهربانی عمل کرده و از تهمت، سوء ظن، افراط و تفریط، توهّم تکلیف و ... به شدت پرهیز خواهد نمود.

### ۳- امکان پاسخگویی فقه به تمام نیازهای انسان

قرآن کریم و سیره و سنت معصومین علیهم‌السلام دو منبع عمده استخراج احکام هستند. همچنان که عقل و اجماع نیز جایگاهی بی‌بدیل دارند. فقهای اسلام، با وجود این چهار منبع می‌توانند به تمام نیازهای فقهی و شرعی فردی و اجتماعی جامعه و حکومت پاسخ داده و راهکار شرعی را بیان کنند. بنابر این مسایلی که در کتاب و سنت بصورت صریح نیامده است، طبق ادله و قواعد کلی که در شرع بیان شده، قابل استخراج و استنباط هستند و هیچ مسأله و سؤال فقهی نیست که بی‌جواب باشد و یا فقه شیعه ناتوان از جواب آن باشد.

### ۴- احترام و ارزش و کرامت انسانی

یکی از باورهای اعتقادی دین اسلام کرامت انسانی است، چنانکه خداوند فرمود: «ما بنی آدم را کرامت بخشیدیم»<sup>۳</sup> (سوره اسراء، آیه ۷۰). امام خمینی رحمته‌الله می‌فرماید: «بندگان خدا را- هر چند در لباس اوباش و اهل معصیت هستند- مقصر نشمارید که اینها از مهلکات نفس است و موجب عجب به ایمان و اخلاق و اعمالی است که سرچشمه همه مفاسد است» (امام خمینی رحمته‌الله، ۱۳۷۵، ۵۲).

بنابر این هر انسانی هر چند ظاهراً جزء افراد شرور و اهل گناه و معصیت باشد باز احترام دارد و تحقیر و توهین به او جایز نیست. انسان دارای مقام خلافه الهی است و خلیفه خداوند سزاوار تکریم و احترام است، و به عبارت دیگر «من عشق شیئاً عشق آثاره» (نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۱۰۹) هر کس چیزی را دوست بدارد آثار آن را نیز دوست خواهد داشت. اگر کسی خداوند را دوست بدارد انسان‌ها

۱- قلْ إِعْمَلُوا فَمَا تَعْبَرُونَ اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ

۲- اِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمُرْصَادِ

۳- وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ

نیز که آثار و مخلوقات خداوند هستند نیز آنها را دوست خواهد داشت. بنابراین رفتار براساس محبت و عشق به مردم و خیرخواهی نسبت به آنان ضرورت دارد و باید بین انسان و عمل انسان فرق گذارد، ما باید با عمل انسان‌های فاسد و تبه‌کار مخالف باشیم ولی با خود انسان حتی افراد اوباش و اهل معصیت نباید مخالف بود بلکه همه را به چشم بندگان خدا نگاه کرد و علاقه به حفظ و تکریم و احترام آنان داشته باشیم.

#### ۵- اعتقاد به ولایت تشریحی و اینکه قانون‌گذاری در انحصار خدای متعال است:

طبق اعتقادات اسلامی «ولایت تشریحی» به معنای قانون‌گذاری از توابع و آثار ربوبیت خداوند است و چون خداوند متعال خالق و پروردگار جهان است حاکمیت و جعل قانون نیز در انحصار اوست. انسان هرگز نمی‌تواند قانون‌گذار باشد زیرا اولاً انسان علم به همه مصالح و مفاسد واقعی ندارد و ثانیاً همه نیازهای بشر را نمی‌شناسند و ثالثاً در این شناخت و علم خود فراوان دچار خطا و اشتباه می‌شود و رابعاً چه بسا در قانون‌گذاری مصلحت و منافع شخصی خود را بر منافع اجتماعی مقدم بدارد، و این در حالی است که خدای متعال چون خالق و آفریدگار انسان است و علم مطلق دارد و علم غیب هرگز خطا و اشتباه ندارد و منفعت شخصی نیز برای خداوند قابل تصور نیست پس هیچ‌کدام از مشکلات فوق وجود نداشته و قطعاً قانون الهی مقدم بر قانون بشری خواهد بود.

قرآن کریم نیز فرموده: «قانون و دستور منحصرأ در اختیار خدای متعال است.» (سوره انعام، آیه ۵۷ و سوره یوسف آیه ۴۰ و ۶۷).<sup>۱</sup> بنابراین وقتی یک جامعه دینی محسوب می‌گردد که قوانین آن قوانین دینی باشد و جامعه‌ای که قوانین آن براساس کتاب و سنت نباشد جامعه سکولار محسوب می‌شود (محمدجعفری، ۱۳۸۱).

طبق این مبنای اعتقادی باید تمام اعضای جامعه نظارتی باور داشته باشند که قانون و دستورات باید منبعث از شرع و مطابق با آن باشد و نمی‌شود که ما قوانین امنیتی و روش‌های مقابله با جرائم و تجسس و شنود و تعقیب و مراقبت و بازجویی‌ها را براساس آموزه‌های کشورهای غربی اجرا کنیم و درعین حال خودمان را اعضای یک جامعه دینی بشمار آوریم. طبق این مبنای اعتقادی «فرهنگ مطلوب سازمانی» فرهنگی است که غیر سکولار بوده و باور کرده باشد که باید تمام مراحل کارهای نظارتی مطابق با دستورات الهی و شرع مقدس باشد.

## در حوزه مبانی اخلاقی

### ۱- آثار وضعی گناهان.

هر گناهی علاوه بر آنکه نافرمانی خداوند و معصیت حساب شده و از نظر تکلیفی حرام است یک آثار وضعی نیز دارد که از آیات و روایات فراوانی استفاده می‌شود.<sup>۱</sup>

آنچه که در اینجا مهم است این است که اگر نسبت بین گناه و آثار وضعی آنها مثل نسبت علت و معلول باشد و این آثار وضعی قرار دادی نبوده بلکه اثر تکوینی و واقعی گناهان می‌باشند در این صورت این سؤال پیش می‌آید که اگر شخصی در شرایط ضرورت و اضطرار مجبور به انجام کاری است که در شرایط عادی آن کار حرام می‌باشد. آیا این عمل آثار وضعی دارد یا خیر، به‌عنوان مثال اگر اکل میته و شرب خمر در صورت اضطرار حلال باشد و کسی مجبور به خوردن آنها بشود آیا آثار وضعی این کارها چه می‌شود. مثلاً «اکل میته» یک حکم تکلیفی دارد که در حال اختیار خوردن آن حرام است و یک حکم وضعی دارد که نجس است و نجس کننده می‌باشد.

حال اگر در ضرورتی شخصی مجبور به خوردن میته شود حکم تکلیفی آن برداشته می‌شود ولی آیا حکم وضعی که نجاست است برداشته می‌شود یا هنوز نجس است و دست و دهان آن شخص نجس شده و باید تطهیر شود. پاسخ این سؤال روشن است که حکم وضعی به جهت اضطرار برداشته نمی‌شود. حال اگر بگوییم هر کدام از گناهان از قبیل تجسس، نگاه به نامحرم، شنود مکالمات تلفنی، ضرب و شتم و تهدید و ... که در حال ضرورت حلال می‌شوند از نظر تکلیفی ولی آیا آثار وضعی این گناهان چه می‌شود و آیا نیروهای نظارتی در معرض اینگونه آثار وضعی گناهان قرار دارند یا خیر.

این تحقیق، در مقام پاسخ به این سؤالات نبوده، و این امر نیاز به کار کارشناسی مستقل دارد. ولی در مقام پیاده سازی «فرهنگ مطلوب سازمانی»، حتماً باید به این مباحث توجه شود و پاسخ روشنی به این سؤالات حداقل برای آن دسته از نیروهای نظارتی که چنین وظایفی بر عهده دارند، داده شود.

۱- قرآن فرموده: ما اصابکم من مصیبه فیما کسبت ایدیکم (سوره شوری آیه ۳۰) و امام باقر (علیه اسلام) فرمود: مامن نکیه تصیب العید الا بذنب (عاملی، ۱۴۱۴، ۳۰۱/۱۵) اینها دلالت بر آثار وضعی گناهان دارند. طبق روایتی پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرموده: هرگاه فاحشه زیاد شود طاعون و مریضی‌های بی سابقه پدید می‌آید، هرگاه زکات داده نشود خشکسالی می‌شود، هرگاه نقض عهد کنند دشمن بر آنان مسلط می‌شود، هرگاه قطع رحم کنند اموال بدست افراد بد قرار می‌گیرد ... (همان، ۲۷۳/۱۶) و در ابتدای دعای کمیل نیز آمده است گناهانی که پرده‌ها را می‌درد و گناهانی که باعث نزول نعمت و عذاب می‌شود و گناهانی که باعث زوال نعمت می‌گردد اینها همه شاهد بر آثار وضعی گناهان می‌باشد.

## ۲- خطر سقوط در گناه

طبیعت کار در سازمان‌های نظارتی آن است که با گناهان مردم سر و کار دارد، این کار در عین حال که لازم و ضروری است ولی خطرات و آسیب‌های اخلاقی گوناگونی را نیز بدنبال دارد. کسی که بر مرز بین حلال و حرام حرکت می‌کند احتمال سقوط او در حرام وجود دارد. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «گناهان قرقگاه خداوند است و هر کس در اطراف آنها بچرخد نزدیک است که داخل آنها شود.»<sup>۱</sup> (عاملی، ۱۴۱۴، ۱۶۱/۲۷)

## ۳- ضرورت احتیاط

اصل حسن احتیاط یک امر بدیهی عقلی است و شرع مقدس نیز فراوان به آن سفارش کرده است. امیرالمؤمنین علیه السلام به کمیل بن زیاد فرمود: «دین تو همانند برادرت می‌باشد و تا می‌توانی برای دینت احتیاط کن.»<sup>۲</sup> (همان، ۱۶۷/۲۷)

روایات فراوانی دستور به حفظ تقوی، لزوم سکوت، ضرورت ورع در شبهات، ضرورت دوری از شبهات و ... داده است که همه اینها به معنای لزوم تمسک به احتیاط است. علاوه بر آن که شارع مقدس در مسأله خون، عرض مردم یا مسائل ناموسی و مسأله اموال و حق‌الناس فراوان تأکید به احتیاط کرده است و همه کارهای سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی به همین سه مسأله برگشت می‌کند که احتیاط در آنها لازم است. علاوه بر آن که این بسیار احمقانه است که شخصی خود را جهنمی کند تا دیگران به بهشت بروند، یعنی یک عنصر نظارتی مراقبت‌های حرام و تجسس‌های خلاف شرع انجام دهد و به این وسیله مردم را از گناه کردن باز بدارد تا مردم گناه نکنند و به بهشت روند و او بر اثر تجسس حرام به جهنم رود.

البته مسأله احتیاط حدود و ثغوری دارد و برخی موارد کارهای اطلاعاتی احتیاط غیرممکن است مثل دوران امر بین محذورین که یا واجب است یا حرام و راه احتیاط وجود ندارد، و در این موارد حتماً باید از نظرات مراجع و کارشناسان دینی کمک گرفت.

## ۴- ضرورت تأتی و پرهیز از عجله

یکی از مبانی بسیار مهم در کارهای نظارتی پرهیز از عجله است. امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود پدرم امیرالمؤمنین علیه السلام در هنگام شهادت خود به من وصیت کرد: «تو را بر حذر می‌دارم از این که در گفتار یا کردار خودت عجله کنی»<sup>۳</sup> (عاملی، ۱۴۱۴، ۱۶۸/۲۷). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «پیشینیان تنها به جهت عجله

۱- المعاصی حمی الله، فمن يرتع حولها يوشك ان يدخلها

۲- اخوك دينك فاحفظ لدينك بما شئت

۳- آنهاکم عن التسرع بالقول و الفعل.

هلاک شدند و اگر مردم اهل درنگ بودند کسی هلاک نمی شد.» و باز فرمودند: «تأنی کار خداوند است و عجله کار شیطان است» (همان، ص ۱۶۹)

بنابر این یکی دیگر از مبانی اخلاقی برای فرهنگ مطلوب سازمانی پرهیز از عجله در کارها و در نتیجه عدم دقت در گزارش‌ها و قضاوت‌ها خواهد بود.

### در حوزه مبانی فقهی

مهم‌ترین دستاورد زحمات فقهاء شیعه در طول دوران غیبت، فقه بسیار غنی و متکامل و پیشرو شیعه است. این فقه در زمینه مباحث مربوط به عبادات و معاملات بسیار گسترده و استدلالی بوده و پاسخگوی همه سؤالات فقهی در این زمینه می‌باشد. و اما در موضوعات فقه سیاسی و فقه حکومتی و فقه نظارتی گر چه زیاد کار نشده است و این هم به جهت آنکه شیعه حکومت نداشته است اما همین مباحث فقه استدلالی در ابواب گوناگون و نیز اصول فقه و قواعد فقهی رایج سبب شد که بتوان با کاوش در ادله شرعی پاسخ سؤالات فقه نظارتی را بدست آورد.

در اینجا برخی از قواعد و مبانی فقهی که در ارائه الگوی مطلوب در فرهنگ مطلوب سازمانی مؤثر و تعیین کننده می‌باشند به اختصار مورد توجه قرار گیرد.

### ۱- ضرورت حفظ نظام

یکی از قواعدی که از بدیهیات عقلی است و هیچ‌کس نمی‌تواند در آن تردید کند- به شرط آنکه موضوع را درست تصور کرده باشد- ضرورت حفظ نظام و نیز ضرورت حفظ دین و نیز ضرورت حفظ امنیت جان مردم و ضرورت حفظ نظام معیشتی مردم و ضرورت پرهیز از هرج و مرج است. این قواعد چیزی نیستند که نیاز به اثبات داشته باشند بلکه دلیل آنها با خودشان است و روشن است که این امور جز با وجود یک سازمان قوی اطلاعاتی حاصل نمی‌شود.

همچنان که لزوم حفظ عزت مسلمانان در برابر کفار و دوری کردن از تسلط کفار بر سرزمین‌های اسلامی و نیز اهمیت فوق العاده رابطه و حفظ مرزهای اعتقادی و جغرافیایی و سیاسی مسلمانان و نیز لزوم بیداری و کیاست و فراست مؤمنین در برابر کفار و لزوم حفظ اسرار مؤمنان در برابر کفار و ... امری است که نیازی به بحث ندارند و از بدیهیات و مسلمات فقهی به‌شمار می‌روند و اگر کسی در اینها تردید نماید یا مغرض است و یا بویی از فقه به مشام او نخورده است.



## ۲- تقدّم عناوین ثانویه بر احکام اولیه.

وجود احکام اولیه و احکام ثانویه در متن قرآن کریم و روایات و رساله‌های توضیح المسائل مراجع تقلید واضح است و این نیز روشن است که هم حکم اولی حکم خداوند است و هم حکم ثانوی. همان خدایی که روزه را به عنوان حکم اولی واجب کرده است، همان خداوند نیز روزه حرجی را حرام کرده است و این نیز حکم شرعی و الهی است.

«هر چه را خداوند حرام نموده است خداوند همان را برای کسی که مضطر به آن شده باشد حلال کرده است»<sup>۱</sup> (عاملی، ۱۴۱۴، ۶۹۰/۴) این حدیث به خوبی دلالت دارد که حکم ثانوی، اضطرار حکم الهی است.

در قرآن مجید نیز مکرّر بحث اضطرار مطرح شده است<sup>۲</sup> ولی توجه به چند نکته در اینجا بسیار مهم است.

اولاً تعداد عناوین ثانویه عدد مشخصی ندارد و تعداد آنها زیاد است مثل جهل، نسیان، اکراه، اضطرار، ضرر، تقیّه، خوف، مصلحت ملزمه، تسهیل، عسر و حرج، مالایطیقون، اجبار، نذر، عهد، قسم، امر والد یا زوج، رهن و دین و ... و چون عناوین ثانویه عدد مشخصی ندارند. لذا لازم است در موارد مبتلا به برای به دست آوردن آنها به مجتهدان و فقها مراجعه شود.

ثانیاً ملاک ترجیح و تقدّم احکام ثانویه بر احکام اولیه چیست و آیا این ملاک همیشه وجود دارد یا گاهی و در برخی شرایط احکام ثانوی مقدم می‌شوند؟

ثالثاً آیا احکام اولیه‌ای وجود دارند که هیچ حکم ثانوی بر آنها مقدم نباشد؟ مثلاً حفظ دین یا حفظ نظام، مسأله لزوم رعایت حق، لزوم عمل به عدل و ... اینها احکام اولیه‌ای هستند که هیچگاه حکم ثانوی بر آنها مقدم نیست.

و یا مثلاً حرمت سبّ به امیرالمؤمنین علیه السلام از احکامی است که هیچگاه عناوین ثانوی از قبیل ضرر یا ضرورت و اکراه و اجبار مجوز ارتکاب آن نمی‌شود. ضرورت مقابله با طاغوت و وجوب دفع منکری مثل طاغوت در دوران قبل از انقلاب از آن احکام اولیه‌ای بود که هیچ حکم ثانوی نمی‌توانست با آن برابری کند و لذا مبارزه با شاه لازم بود حتی اگر چه انسان علم داشته باشد که این مبارزه موجب ضرر و زیان می‌شود، زیرا اصل دین در خطر بود، و یا وجوب دفاع از مسلمانان و کشور نیز این گونه است که ضرورت با عسر و حرج باعث رفع آن حکم اولی نمی‌شود (یزدی، محمد، ۱۳۸۷).

۱- «لیس شیء مما حرّمه الله الا وقد احله لمن اضطر الیه»

۲- از جمله سوره بقره، آیه ۱۷۳، سوره مائده، آیه ۳، سوره انعام، آیه ۱۴۵، سوره انعام، آیه ۱۱۹، سوره نحل، آیه ۱۱۵



رابعاً حکم ثانوی همیشه محدود به شرایط و ضوابط خاصی است و باید محدود باشد، زیرا موضوع حکم ثانوی تابع شرایط خاص می‌باشد، به عنوان مثال: هیچ‌گاه به‌صورت کلی نمی‌توان گفت جایز است خراب کردن منازل مردم برای تعریض و توسعه خیابان‌ها بلکه باید حکم به صورت جزئی و محدود به زمان و مکان خاص و مقید به این که تا ضرورت وجود دارد و جان مردم در خطر است این کار جایز است و یا مثلاً: در مسأله شنود مکالمات تلفنی گفته شود: تلفن این شخص خاص در زمان خاصی تا موقعی که احتمال خطر مهمی وجود دارد جایز است کنترل شود. اما بدون احتمال عقلایی و قابل اعتنا نسبت به یک خطر جدی نمی‌توان مجوز کنترل تلفن و شنود آن را صادر نمود (احمد عابدی، ۱۳۸۹).

### ۳- ترجیح اهم بر مهم و نیز دفع افسد به فساد

این یک قاعده عقلایی و شرعی است و هر عقل بدیهی به آن حکم می‌کند. اما تشخیص اهم و مهم بسیار مشکل است. به عنوان مثال در دوران امر بین واجب و حرام، مثل ضرورت حفظ نظام و حرمت تجسس و تفتیش آیا می‌توان ادعا کرد که همیشه مصلحت فرد و ضرر فرد مهم می‌باشد ولی مصلحت نوع و جامعه و ضرر نوع مردم اهم است و «اخذ المفسدین یا اخف و اهون الضررین» همان ضرر فرد است که باید فدای جامعه شود و یا این که در مواردی هم هست که نمی‌توان مصلحت جامعه را بر مصلحت فرد مقدم داشت؟ در مثل جراحی و نگاه پزشک به بدن زن نامحرم با توجه به آنکه حفظ جان مسلمان از اوجب واجبات است بحثی نیست و تشخیص اهم و مهم آشکار است، اما در سایر موارد مشکل است مثلاً: چرا امیر المؤمنین علیه السلام به بهانه حفظ امنیت ملی و حفظ جان امام و رهبر مسلمانان این ملجم را دستگیر نمود و چرا او را مورد آزار و اذیت قرار نداد؟

### ۴- لزوم رعایت ضرورت‌ها

یکی دیگر از مبانی فقهی در بحث تبیین فرهنگ مطلوب سازمانی بحث از «ضرورت‌ها» است. روشن است که ضرورات، محظورات (محدورات) را مباح می‌نماید (احمد عابدی، ۱۳۸۹).<sup>۱</sup>

اما آنچه نیاز به بحث دارد این است که اولاً ضرورت و اضطرار و تقیه چه نسبتی و چه رابطه‌ای دارند؟ آیا قاعده «لاضرر» همان قاعده ضرورت است و آیا مسأله وجوب تقیه نیز به همین قاعده ضرورت بر می‌گردد یا این که هر کدام از اینها یک قاعده مستقل است. مثلاً: مواردی وجود دارد که جای تقیه است ولی جای ضرورت و اضطرار نیست مثل موارد تقیه مداراتی و در مواردی که انسان احساس خطر و خوف ندارد.

ثانیاً معنای ضرورت چیست و ثالثاً چه مرتبه‌ای از ضرورت می‌تواند احکام اولیه را برداشته و منتفی

۱- «الضرورات تبيح المحظورات» یا «الضرورات تبيح المحذورات» با هر دو عبارت صحیح است.

سازد و رابعاً چه کسی باید این ضرورت‌ها را تشخیص دهد آیا حاکم شرع، یا ولی فقیه، یا مجتهد، یا نوع مردم، یا شخص مکلف، یا عرف خاص و اهل خیره؟

آیا هر مسئولی می‌تواند با ادعای اینکه ضرورت وجود داشت کسی را دستگیر کند، یا تلفنی را کنترل نماید یا به تعقیب و مراقبت دست زند و هکذا ... ؟

خامساً چه احکامی است که با ضرورت برداشته نمی‌شوند؟ و به عنوان مثال: در روایتی آمده است: «من در سه چیز هرگز تقیه نمی‌کنم: شرب مسکر و مسح بر کفش که آن را انجام نمی‌دهم و متعه حج یعنی طواف النساء یا استمتاع از زن در فاصله بین عمره تمتع و حج تمتع<sup>۱</sup>» (عاملی، ۱۴۱۴، ۲۱۶/۲۵). معنای این حدیث این است که تقیه یا ضرورت یا اضطرار یا خوف مجوز برداشته شدن حکم اولی در این سه مورد نمی‌باشد. البته واضح است که هر کدام از اینها نیاز به بحث فقهی داشته و نظر مراجع تقلید و نظر حاکم و رهبر معظم در مسائل اجتماعی و حکومتی ملاک عمل است. اما به هرحال این‌گونه روایات نشان می‌دهند که هر ضرورتی مجوز ارتکاب محرمات نمی‌شود.

#### ۵- موارد تقیه

اصل مسأله تقیه در متن قرآن کریم آمده است و در مواردی نظیر در امان بودن از شر دشمن<sup>۲</sup> (سوره ال عمران، آیه ۲۸) و اجبار در عین اطمینان و ایمان قلبی<sup>۳</sup> (سوره نحل، آیه ۱۰۶) مجاز شمرده شده است. این دو آیه شریفه دلالت دارند در صورت تقیه و اکراه، تلفظ به کلمات کفر جایز است، آنچنان که در داستان عمار و پدر و مادرش وجود داشت و عمار تقیه نمود. گرچه اهل سنت به شدت با مسأله تقیه مخالف هستند ولی خودشان نیز در عمل به تقیه متعهد هستند و در مواقعی که جانشان در خطر باشد به زودی دست از احکام دیگر بر می‌دارند.

اما آنچه باید در «فقه نظارتی» بررسی نمود و برای «فرهنگ مطلوب سازمانی» راه حل ارائه دهد این است که اولاً اقسام تقیه کدام است. غیر از تقیه خوفی و مداراتی چیز دیگر داریم یا خیر، ثانیاً آیا تقیه منحصرأ در مواجهه با اهل سنت است یا آنکه در مواجهه با کفار و منافقین و هر کس که احساس خطر بشود تقیه وجود دارد. آیا شرایط تقیه چیست؟

برخی از بزرگان فرموده‌اند: شرط جواز تقیه این است که اولاً ترک تقیه موجب ضرر مهم بشود و در مواردی که ترک تقیه موجب مختصر ضرری بشود تقیه جایز نیست و ثانیاً باید آن مسأله مورد تقیه

۱- ثلاثه لا اتقی فیهن احداً، شرب المسکر و مسح الخفین و متعه الحج

۲- «الآن تتقوا منهم تقاه»

۳- «الآن من أکره و قلبه مطمئن بالایمان»

زیاد مهم نباشد مثلاً تقیّه در وضو گرفتن مشروع است اما تقیّه در مثل بیعت کردن با یزید و امثال این گونه اموری که بسیار مهم هستند جایز نیست (مجلسی، ۱۳۷۴، ۱۳۰/۷۲، و صدر المتألهین ۱۳۶۲، ۳۷۸ و خواجه نصرالدین ۱۴۲۰، ۴۲۲).

بنابراین در کارهای مهمی که انجام تقیّه در آنها موجب ضرر خوردن به دین می شود جایز نیست و به همین جهت امام حسین علیه السلام برای بیعت با یزید تقیّه نکرد و حاضر شد کشته شود اما بیعت نمود. بهر حال تقیّه برای حفظ دین است بنابراین اگر در جایی تقیّه باعث زوال دین بشود تقیّه مشروع نخواهد بود (عاملی ۱۴۱۴، ۲۱۶/۲۵).

### ۶- حرمت غش، مکر، خدعه، فریب، تهدید، ارباب، ایجاد ترس، اضطراب

امام خمینی علیه السلام فرموده است: هر کس سلاح خود را برای ترساندن مردم اظهار کند و قصد افساد داشته باشد او محارب شمرده می شود (امام خمینی علیه السلام ۴۹۲/۱۳۶۳، ۲).

در فتح مکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده بود سهیل بن عمرو را هر کس در هر کجا بیابد او را به قتل برسانند. ابوسفیان که با او سابقه دوستی داشت او را نزد پیامبر آورد و سه مرتبه تقاضای شفاعت او را نمود ناچاراً پیامبر او را عفو کرد و سپس به اصحاب خود فرمود مگر من نگفته بودم او را هر کجا دیدید بکشید حتی اگر چه به پرده کعبه چسبیده باشد؟! اصحاب گفتند: شما یک اشاره چشم می کردید ما او را می کشتیم. پیامبر فرمود ما پیامبران مکر و خدعه نداریم (سیوطی ۱۴۰۵، ۳۱۷/۴).

بنابر این معلوم می شود که مکر و خدعه و نیرنگ جایز نیست و نمی توان با مکر و خدعه کسی را بازجویی نمود یا تهدید و ارباب از او اقرار گرفت. علامه طباطبایی فرموده: مکر و خدعه یعنی کاری که ظاهر آن زیبا و باطنش زشت می باشد و مخاطب به ظاهر آن اعتماد می کند و گرفتار می شود و باطن آن کار بر او اثر می گذارد.

غالب مردم مکر را برای اغفال مردم دیگر بکار می برند و این مذموم است اما برخی دیگر مکر را برای غرضی غیر از اغفال و فریب بکار می برند مثلاً مکر کردن با دیگری برای غرض فرار از مکر آنان در این صورت مکر مذموم نیست بنابراین مکر با لذات حرام نیست بلکه تابع این است که اگر به غرض اغفال باشد مذموم است و اگر به غرضی رهایی از مکر باشد اشکال ندارد (طباطبایی، ۱۳۸۶، ۸۹/۵). قرآن کریم نیز فرموده: «هر کس مکر کند ضررش به خود او می رسد» (سوره فاطر، آیه ۴۳)

## ۷- پرهیز از توهّم تکلیف

شاید برخی از افراد دچار سوء ظن شده و باطن و گمان افراد دیگر را مورد اتهام قرار دهند، و چه بسا تصور کنند که وظیفه شرعی خود را انجام می‌دهند و این یکی از فریب‌های شیطان است که گناه را بر انسان زینت می‌بخشد تا انسان تصور کند که در حال انجام عبادت است در حالی که مرتکب حرام شده است. تعدادی از آیات شریفه قرآن کریم دلالت دارند بر اینکه برخی افراد کارهای زشت انجام می‌دهند و کار زشت آنان پیش چشم آنان کار زیبا و خوب زینت داده شده است، گناه می‌کنند و تصور می‌کنند که در حال انجام ثواب هستند.<sup>۱</sup> نمونه بارز این کار آن است که کسی از راه غیر شرعی به تجسس یا شنود یا تعقیب و مراقبت بپردازد.

## ۸- قاعده لزوم رعایت احتیاط

اصل حسن احتیاط قبلاً مورد اشاره قرار گرفت آنچه در اینجا باید تذکر داده شود این است که گاهی احتیاط در ترک احتیاط است مثلاً اگر انجام احتیاط باعث عسر و حرج شود در این صورت احتیاط نه تنها واجب نیست بلکه خوب نیز نمی‌باشد و اگر احتیاط موجب اختلال نظام شود مسلماً حرام است و لذا همیشه نباید سراغ احتیاط رفت بلکه موارد خاصی دارد.

علاوه بر آن که گاهی احتیاط باعث انجام نشدن کاری می‌شود که مورد رضای شارع مقدس بوده است و احتیاط در ترک احتیاط است. ضمناً در مواردی که احتیاط واجب یا مستحب است جایی است که مربوط به محرّمات باشد که نیروهای اطلاعات نیز معمولاً با همان سروکار دارند و اما در واجبات هرگز احتیاط واجب نیست بلکه حتی خوب هم نیست.

تشخیص این موارد همه نیاز به مباحث دقیق فقهی و اجتهادی دارد. با توجه به مسأله لزوم پرهیز از افراط‌ها و تفریط‌ها از طرفی حفظ نظام لازم است و سستی که موجب وهن نظام شود حرام است و سخت‌گیری و احتیاط‌های بی‌مورد که باعث سلب آرامش و آسایش مردم شود نیز حرام است. (احمد عابدی، فقه الأئمة، ۱۳۸۹)

بهترین نمونه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که همه سخنان را می‌شنید و نه کسی را متهم به کذب می‌نمود و نه به زودی به آنچه می‌شنید ترتیب اثر می‌داد به طوری که از سوی دشمنان متهم شد به این که این پیامبر «گوش» است و خداوند فرمود: «اگر گوش است ولی گوش خوبی بر مؤمنان است.» (سوره توبه، آیه ۶۱).

مؤمنان را باید تصدیق نمود ولی تا به حدی که موجب ضرر بر دیگر مؤمنان نشود. به هر حال

۱- سوره انعام، آیه ۴۸ و ۶۳ و سوره نمل آیه ۲۴ و سوره عنکبوت آیه ۳۸

۲- و منهم الذین یؤذون النبی و یقولون هو اذّن قل اذّن خیر لکم



رعایت عدل و انصاف یک قاعده عقلایی است که در هیچ شرایطی نباید از آن غفلت نمود. همچنان که اصل بر براءت بودن همه انسان‌ها مورد تأکید قانون اساسی و آیات و روایات شریفه است.

آنچه تاکنون ذکر شد مبانی است که باید مورد توجه بوده و در تمام اقدامات مورد تأکید و توجه باشد. نقش و تأثیر این گونه احکام فقهی بر زندگی و رفتارهای مجموعه نیروهای انسانی موظف در حوزه سازمان‌های نظارتی آنچنان است که بدون شک ابعاد ظریف یک نوع فرهنگ ویژه را به وجود می‌آورند که آن را ویژگی فرهنگ خاص سازمان‌های نظارتی باید نام نهاد.

### نتیجه‌گیری

اینک پس از بیان مهم‌ترین مبانی، برخی از مؤلفه‌های فرهنگ مطلوب سازمانی به شرح زیر قابل جمع‌بندی است:

- ۱- در فرهنگ مطلوب سازمانی در یک حکومت اسلامی باید کار برای خداوند و به قصد قربت و اخلاص انجام شود. چشم داشت به مسائل دنیوی و تشویق و تهدیدها نباید ملاک و ضابطه کار باشد در این صورت سلامت کار بهتر تضمین می‌گردد. مهم ثواب الهی برای رابطن است و رسیدن به کمال اخروی.
- ۲- ما مأمور به انجام وظیفه شرعی و الهی هستیم و انشاء الله نتیجه نیز حاصل می‌شود.
- ۳- لازم است همه اقدامات در سه سطح راهبردی، استراتژیک و تاکتیک و عملیاتی مطابقت کامل با شرع داشته باشد و دین در هر سه حوزه دستوراتی دارد.
- ۴- دروغ گناه کبیره است، توریه و جواز دروغ مصلحتی تنها به صورت استثناء در برخی موارد اندک و با ضوابط خاص جایز است.
- ۵- رازداری یک اصل بسیار مهم است چه راز داری نسبت به اسرار نظام و چه راز داری نسبت به اسرار مردم و افشاء اسرار مردم حتی نزد خانواده یا ... از گناهان کبیره است.
- ۶- حقوق متهم و حقوق انسان‌ها از مهمترین دستورات شرع و مورد تأکید فراوان می‌باشد.
- ۷- تعریف تجسس؛ موارد و مراتب آن و حکم حرمت تجسس و اطلاق و تقیید حکم حرمت تجسس نمونه‌های عینی تجسس و عیون حضرت امیر (علیه‌السلام) نسبت به عمال و کارگزاران حکومت علوی، و در اینجا بحث از ضوابط گزینش و اینکه چه چیزی می‌تواند ملاک باشد و چه چیزی را نباید ملاک قرار داد، و بررسی احکام فقهی مرتبط با آن جای دارد.
- ۸- بحث جمع‌آوری اخبار و کیفیت آن. احکام فقهی بسیار زیادی دارد و کثرت سؤالات فقهی نشان‌دهنده آن است که در این بخش ابهامات فراوانی وجود دارد که باید با ضوابط شرعی به طور مستمر به پاسخ به آنها به جهت کاربرد آنها در عمل پرداخته شود.

۹- در بحث تعقیب و مراقبت، دستگیری، بازداشت، بازرسی منازل، بازجوئی نیز احکام فراوانی وجود دارد. مثل حرمت دستگیری قبل از کامل شدن پرونده و قبل از صدور حکم از سوی قاضی، اقرارهای نافذ و اقرار غیرنافذ، حرمت اکراه یا اجبار و تهدید و تشویق برای اخذ اقرار، حرمت تنبیه و تعزیر و ضرب و شتم متهم تا قبل از صدور حکم و.... هر کدام از اینها دارای صدها فرع فقهی است که دین و فقه برای آنها دستور دارد و وقتی گفته می‌شود که این راه، راه غیرشرعی و حرام است قهراً راه حل شرعی و مناسبی را نیز برای آن پیشنهاد کرده است.

۱۰- منجز بودن احتمال ضعیف در صورتی که محتمل قوی باشد. در برخی موارد حتی علم و یقین ملاک نمی‌تواند باشد، مثلاً اگر کسی خارج از حدود مأموریت خود با گناه یا فساد دیگری مواجه شد از قبیل قمار، فحشاء و مواد مخدر و... نمی‌تواند چیزی در این خصوص را بیان کند و این گونه اشاعه فحشاء از بزرگترین گناهان کبیره است. زیرا در این موارد اصطلاحاً گفته می‌شود که محتمل ضعیف است پس علم یا ظن و اطمینان نباید ملاک عمل قرار گیرد و اگر مأمور- که چنین مأموریتی نداشته- گزارش بدهد چون مرتکب گناه افشاء اسرار شده خودش فاسق می‌گردد و خبر فاسق حجت نمی‌باشد. اما اگر محتمل قوی بود مثلاً در مورد گروهک‌های مخالف اسلام و مخالف نظام و در مواردی که احتمال خطر بزرگی مثل کودتا و... وجود داشته باشد در اینگونه موارد حتی احتمال ضعیف منجز و تکلیف آور است و باید به چنین احتمالاتی هر چند ضعیف باشد ترتیب اثر داده شود. اما همیشه ترتیب اثر دادن به دستگیر کردن نیست بلکه به زیاد نمودن مراقبت است.

با توجه به تأکیدات بنیان‌گذار نظام مقدس جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی علیه السلام و عنایت کامل مقام رهبری حضرت امام خامنه‌ای مد ظله العالی و با توجه به اصل ۴ و ۵ قانون اساسی، روی آوردن به مبانی اصیل اسلام و بهره‌برداری کامل از منابع عظیم فقه در همه زمینه‌ها و عمل به فقه حداکثری، به‌ویژه در مباحث حکومتی در تمام ارکان نظام اسلامی یکی از مهم‌ترین وظایف همه دستگاه‌ها و نهادها می‌باشد.

یکی از اثرگذارترین ارکان نظام اسلامی، دستگاه‌های نظارتی می‌باشند که به‌نحوی با جان و ناموس و آبروی مردم سر و کار دارند. شکی نیست که بخشی از نارسایی‌های موجود در این دستگاه‌ها ناشی از عدم شناخت دقیق مسئولین و کارکنان این دستگاه‌ها با اصول و مبانی فقهی و معرفتی و اخلاقی ابعاد و وظایف و مسئولیت‌های خویش است. لذا با توجه به مبانی معرفتی ذکر شده در این مقاله و موضوعاتی چون آثار وضعی گناهان، تأثیر گناه در سوء فهم انسان، ضرورت احتیاط و مباحثی از این دست سعی شده است تا زمینه کاربست این مبانی و مفاهیم در سازمان‌های نظارتی در کنار دانش تخصصی این حوزه فراهم شود.

مسائل امنیت و حفاظتی تنها در حوزه اختیارات و وظایف حاکم اسلامی و ولی فقیه است و به همین جهت این گونه مسایل و احکام شرعی را نمی توان از سایر مراجع معظم تقلید استفتاء نموده و یا به نظر آنان عمل نمود. مسائل حکومتی و به ویژه مسایل امنیتی منحصراً باید طبق نظر و دیدگاه ولی فقیه عمل شود. به همین جهت این نقطه قوت وجود دارد که از تشتت و اختلاف آراء و فتوای گوناگون جلوگیری می شود و چون ولی فقیه آگاه به مسایل و موضوعات است، نظر او قهراً دقیق تر و صائب تر است. اما از جهتی باید سازوکارهای آن نیز مشخص و شورای علمی مرکب از متخصصان و فقیهان این گونه مسایل را جمع بندی و طبقه بندی کرده و با اشراف به مبنا و فتاوی مقام معظم رهبری مدظله العالی، آرا و نظریات و فتاوی معظم له را تبیین و تشریح کرده و زمینه سازی اجرای دقیق تر آنها را فراهم سازند.

به منظور ترویج و نهادینه نمودن فقه اطلاعاتی در دستگاهها و مراکز ذی ربط، پیشنهاد می شود دانشکده ای با عنوان فقه و اطلاعات و امنیت در یکی از دانشگاههای نیروهای مسلح و یا دستگاههای نظارتی به منظور تقویت مبانی نظری و فقهی در حوزه های مورد نیاز از یک طرف و تربیت کارشناسان مورد نظر از طرف دیگر ایجاد نمود.

همچنین با توجه به خلأ جدی در حوزه های مشابه علوم انسانی مانند حوزه ارتباطات و رسانه از این شیوه برای استخراج و تدوین نیازمندیها و حل مشکلات و مسایل مبتلابه آن حوزه ها بهره برداری نمود.



## فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم (۱۳۷۴). ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، چاپ دوم.
- ۲- شریف الرضی، محمدبن حسین، صالح، صبحی، نهج البلاغه، ناشر دارالهجره
- ۳- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۹۸۳). بحارالانوار. بیروت: موسسه الوفاء.
- ۴- امام خامنه‌ای مد ظله العالی مجموعه بیانات. قابل دسترس در پایگاه رسمی اینترنتی، [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)
- ۵- جوادی آملی، عبدالله، فلسفه حقوق بشر، مرکز نشر اسراء، چاپ ششم،
- ۶- طوسی، خواجه نصیرالدین محمد بن الحسن (۱۴۲۰). نقد المحصل دار التعارف.
- ۷- سلطانی، محمدرضا (۱۳۹۱). تحلیل وضعیت و طراحی الگوی مطلوب فرهنگ سازمانی یکی از سازمان‌های نیروهای مسلح مبتنی بر مبانی دینی و ارزش‌های انقلاب اسلامی. دوفصلنامه علمی پژوهشی مدیریت اسلامی. سال ۲۰. شماره ۱.
- ۸- سیوطی، جلال الدین. (۱۴۲۱). الدر المنثور، تحقیق عبدالرزاق مهدی‌دار. بیروت: احیاء التراث العربی
- ۹- عابدی، احمد (۱۳۸۹). فقه الأمن. انتشارات زائر. چاپ اول.
- ۱۰- عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴). وسائل الشیعه. تصحیح و تحقیق مؤسسه آل البیت.
- ۱۱- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۲). شرح تحریر الوسيله. کتاب القضاء. انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام
- ۱۲- نجفی، محمدحسن بن باقر (۱۳۸۷). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی. جلد ۴۰. چاپ دوم.
- ۱۳- یزدی، محمد. (۱۳۸۷). نظریه امام خمینی در احکام ثانویه. فقه اهلیت. شماره ۵۴.

